

روایت کارشناسان غربی درباره دلایل برتری راهبردی ایران در جنگ رمضان

وقتی تهران قواعد را نوشت



پایگاه تحلیلی «War on The Rocks» که در حوزه استراتژی، دفاع و امور خارجی فعال است، یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی دنیاست

که به بررسی راهبردهای نظامی و علوم استراتژیک می‌پردازد. این پایگاه در یکی از آخرین گزارش‌های خود، تلاش کرد در متنی مفصل، به این پرسش پاسخ دهد که ایران چرا و چطور نبرد رمضان با آمریکا را برد و راهبردهای نظامی ایران چگونه قوام یافت. به عبارت خود متن «در حالی که ایالات متحده و اسرائیل جنگی را پیش می‌بردند که تصور می‌کردند نیروی نظامی تعیین‌کننده آن خواهد بود، ایران نظریه‌ای برای پیروزی داشت که دشمنانش هرگز آن را درک نکردند: نظامی که برای بقا ساخته شده، ادراک جهانی و اهرم‌های اقتصادی را به کار گرفت و وضعیت نظامی را به قدرت چانه‌زنی ژئوپلیتیک تبدیل کرد».

به باور متن، ایران روزگار بسیار دوری به این نتیجه رسیده بود در هر نوع از حمله‌ای، حتماً کادر رهبری سیاسی و نظامی مورد هدف قرار خواهد گرفت و اصولاً ساختار را برای بقا در دوران جنگ و فرماندهی پراکنده تنظیم کرده بود؛ «ایران جنگی متفاوت از آنچه به او تحمیل شده بود به راه انداخت و ۲۰ سال برای چنین جنگی آماده شده بود. سال ۲۰۰۵ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آنچه را برنامه‌ریزان ایرانی «دفاع موزاییکی» می‌نامیدند، صورت‌بندی کرد؛ یعنی ساختار فرماندهی غیرمتمرکزی که دقیقاً برای بقا در برابر همان نوع حملات قطع سر فرماندهی طراحی شده بود که آغازگر این جنگ بود».

ایران از ابتدا برای نبرد به این فکر می‌کرد که باید جایی دست بگذارد که موجب حداکثر آسیب به دشمن شود؛ «تهران میدان رقابت را به عرصه‌هایی منتقل کرد که دشمنانش برای مقابله در آنها آمادگی نداشتند: اعمال

فشار دریایی، اخلال اقتصادی، برتری اطلاعاتی و اراده سیاسی. نظریه پیروزی ایران ساده بود: انقدر دوام بیاورد که با حمله به کشورهای خلیج فارس و استفاده از اهرم تنگه هرمز، هزینه تحمیل کند. تهران سال‌ها پیش از واشنگتن به اهمیت هرمز پی برده بود. ارتش آمریکا دهه‌ها بود هرمز را مهم‌ترین خطر جنگ احتمالی علیه ایران می‌دانست. استراتژیست‌ها و برنامه‌ریزان ایرانی سال‌ها پیش به این نتیجه رسیده بودند و راهبرد خود را بر محور آن بنا کردند».

به باور این پایگاه تحلیلی نظامی، تهران در طول جنگ، نوع جدیدی از آسیب به شبکه و ستون فقرات دشمن را به عرصه نبردها نشان داد: «ایران ساختار نیرویی را که با آن روبه‌رو بود مطالعه و کارزار مقابله‌ای خود را بر همان اساس طراحی کرد. به جای آنکه به صورت متقارن برای برتری هوایی رقابت کند، کوشید سامانه‌های پشتیبانی‌ای را تضعیف کند که قدرت هوایی آمریکا و اسرائیل را مؤثر می‌کردند؛ یعنی نه هواپیماهای تهاجمی، بلکه هواپیماهای سوخت‌رسان، شبکه‌های راداری، گره‌های ارتباطی و سکوها‌ی فرماندهی و کنترل را هدف گرفت که استمرار عملیات آنها به این سامانه‌ها وابسته بود. هدف، نابودی کامل قدرت هوایی آمریکا نبود، بلکه فرسایش تدریجی آن و تحمیل هزینه‌های مداوم به نیرویی بود که به شمار محدودی از تجهیزات کمبای و بسیار ارزشمند متکی است».

نسبت میان هزینه ایران و دشمن نیز مساله‌ای است که از شدت تکرار، بدیهی می‌نماید و این پایگاه هم آن را از دلایل پیروزی ایران ذکر می‌کند: «نسبت هزینه‌ها به خود گویای همه چیز است. پهپادها و موشک‌های ایران هر کدام چند هزار دلار قیمت دارند اما رهگیرهایی که برای متوقف کردن‌شان شلیک می‌شوند میلیون‌ها دلار! شلیک‌های پی‌درپی، ذخایر موشک‌های رهگیر را با سرعتی مصرف کرد که امکان جایگزینی به‌موقع آنها وجود نداشت. قدرت از نظر تجهیزاتی ضعیف‌تر، وابستگی

دشمن به تعداد اندکی سامانه گران‌قیمت را به سلاحی علیه آن تبدیل کرد».

مساله دیگر، سرمایه‌گذاری اصولی ایران بر ناوگان دریایی نامتقارن بود که دست ایران را برای بستن تنگه هرمز باز گذاشت و آمریکایی‌ها هیچ درکی از این نیروی نامتقارن ندارند: «مساله واقعی، حفظ جریان کشتیرانی تجاری از تنگه هرمز بود. توان ایران برای تهدید تردد دریایی، کمتر به نیروهای متعارف دریایی و بیشتر به قابلیت‌های نامتقارن وابسته است: مین‌ها، موشک‌ها، پهپادها و شناورهای کوچک تهاجمی. دفاع موزاییکی نیز تا حدی بر همین «ناوگان مختصر» استوار است. بعد دیگر نبرد ایران، عرصه تبلیغات جنگ بود که به باور این پایگاه، در کنار دیگر ابعاد جنگ رمضان، بسیار کارآمد ظاهر شد: «در عرصه تبلیغات، ایران در شکل‌دهی برداشت‌ها از منازعه مؤثرتر عمل کرد. ایران توانایی خود برای تحمل ضربات و ادامه حملات تلافی‌جویانه را در قالب روایتی از تاب‌آوری ارائه کرد. ایران نوع تازه‌ای از ارتباطات راهبردی را پیشگامانه به کار گرفت و از پویانمایی‌های تولیدشده با هوش مصنوعی استفاده کرد؛ آثاری که به طرزی غیرمنتظره سرگرم‌کننده بود و مانند هر تبلیغات مؤثری، رگه‌ای از حقیقت را نیز در خود داشت. این ویدئوها به مخاطبانی بسیار فراتر از میدان نبرد سنتی رسید و این برداشت را تقویت کرد که تهران توانسته در برابر شدیدترین ضرباتی که یک ائتلاف نظامی برتر می‌توانست وارد کند، مقاومت کند. بی‌آنکه تضعیف شود و این تلاش موفق بود. در ایالات متحده، نظرسنجی‌ها نشان داد تمایل اندکی برای ادامه جنگ و طولانی‌شدن آن وجود دارد و مخالفت با تشدید درگیری از طریق اعزام نیروهای زمینی گسترده است. بعد بسیار مهم دیگر این جنگ، شکافی بود که ایران میان آمریکا و متحدان عرب ایجاد و آنان را وادار به پرداخت هزینه کرد؛ هزینه‌ای که واشنگتن هم میلی برای جبران آن برای متحدانش نداشت و همین موجب شکاف شد: «هدف‌گیری نظامی کشورهای عضو شورای

چرا زیرساخت‌ها در جنگ‌های جدید به هدفی راهبردی برای فرسایش توان ملی تبدیل شده‌اند؟

تاب‌آوری، خط‌مقدم جدید

■ **نقض فاحش حقوق بنیادین بین‌الملل**
البته همین واقعیت، بحثی جدی را نیز در حقوق بین‌الملل برانگیخته است. کنوانسیون‌های ژنو و قواعد حقوق بشردولتانه بر حمایت از غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی تأکید دارند و اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی را یکی از مهم‌ترین قواعد جنگ می‌دانند.

از همین رو، هر گاه گزارش‌هایی درباره آسیب دیدن تأسیسات حیاتی منتشر می‌شود، علاوه بر ارزیابی‌های نظامی، بحث‌های حقوقی و انسانی نیز در سطح بین‌المللی شدت می‌گیرد. این موضوع تنها به یک جنگ یا یک منطقه محدود نیست، بلکه تجربه سال‌های اخیر، از اوکراین گرفته تا دیگر درگیری‌های منطقه‌ای، نشان داده است آسیب به زیرساخت‌های حیاتی همواره یکی از حساس‌ترین ابعاد جنگ محسوب می‌شود. اما نکته‌ای که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که در ادبیات راهبردی غرب، هدف از پرداختن به زیرساخت‌ها صرفاً تخریب فیزیکی آنها نیست. بسیاری از مطالعات بر این نکته تأکید دارند که آنچه اهمیت دارد میزان اختلال در اداره کشور و هزینه‌ای است که برای بازگرداندن شرایط عادی باید پرداخت شود. به بیان دیگر، رقابت اصلی بر سر «دوام» است؛ اینکه کدام طرف می‌تواند سریع‌تر خود را با شرایط جدید تطبیق دهد و خدمات حیاتی را از نو برقرار کند.

■ **رقابت بر سر بازایی**

به همین دلیل در سال‌های اخیر مفهوم دیگری نیز وارد ادبیات امنیتی شده است: «رقابت بر سر بازایی». تجربه جنگ‌های اخیر نشان داده گاه سرعت تعمیر یک پل، راه‌اندازی دوباره یک نیروگاه یا بازگشت شبکه برق به مدار، از خود حمله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. کشوری که بتواند در کوتاه‌ترین زمان زیرساخت‌های آسیب‌دیده را احیا کند، بخشی از فشار ناشی از بحران را خنثی می‌کند و نشان می‌دهد ظرفیت نهادی و مدیریتی لازم برای عبور از شرایط بحران را دارد. این همان درسی است که بسیاری از تحلیلگران حین جنگ آمریکا علیه ایران بر آن تأکید کردند و قابلیت ملی ایران در بازایی خود و بازگشت فوری به مسیر روزمره زندگی مردم را

همکاری خلیج فارس از سوی ایران، نیتی راهبردی را دنبال می‌کرد و پیامی کاملاً روشن برای شرکای منطقه‌ای واشنگتن داشت: حمایت از این کارزار بی‌هزینه نیست. حملات موشک‌های کروز و پهپادها به خاک عربستان، این‌ هزینه را ملموس کرد. پس از آنکه ایران پایانه نفتی امارات را هدف قرار داد، کویت و عربستان، از بیم تکرار چنین حملاتی در خاک خود، حرمی هوایی‌شان را به روی هواپیماهای نظامی آمریکا بستند. ایران بارها نشان داده هر زمان بخواهد می‌تواند پایتخت‌های کشورهای خلیج فارس را هدف قرار دهد. روشن‌ترین نمونه، «پروژه آزادی» بود؛ طرحی آمریکایی برای تأمین اسکورت نظامی نفتکش‌هایی که از تنگه هرمز عبور می‌کردند. عربستان، حتی پس از مداخله مستقیم و شخصی ترامپ، با استفاده از پایگاه‌ها و حرمی هوایی خود مخالفت کرد و دلیل آن را بی‌اعتمادی به انسجام راهبرد آمریکا دانست. طرح کنار گذاشته شد. عربستان تنها شریک منطقه‌ای نبود که نحوه اجرای کارزار از آن دورش کرد. امارات که هم‌زمان بیشترین فشار حملات ایران را تحمل می‌کرد و شاهد همبستگی ناچیز همسایگان خلیجی خود بود، از اوپک خارج شد و تهدید کرد اتحادیه عرب را نیز ترک خواهد کرد. مشخص شد حتی اگر قدرت‌ها نیز همچنان به شریک نیاز دارند اما زمانی که واشنگتن خواستار همبستگی شد، آن شرکا مردد ماندند. ایران هزینه تحمیل می‌کرد و واشنگتن هیچ دلیلی برای پرداخت آن ارائه نمی‌داد».

بهترین پایان‌بندی برای این گزارش، ۲ عبارتی است که با کمی فاصله از هم در تحلیل این پایگاه آمده‌اند: «ایران از این منازعه، تقویت‌شده بیرون آمد. زیر فشار، انسجام داخلی خود را حفظ کرد، از جنگ برای تقویت روایت‌های مقاومت و تهدید خارجی بهره گرفت، فشار نظامی را به ابزاری برای تحکیم قدرت در داخل تبدیل کرد و در نهایت، فروپاشی داخلی مورد انتظار دشمنانش محقق نشد... جنگ گسترده سراسری (فعلاً) پایان یافته اما با شرایطی که در تهران نوشته شده است».

عمرانی نیست، بلکه بخشی از امنیت ملی محسوب می‌شود. این برداشت البته به معنای نادیده گرفتن ابعاد انسانی جنگ نیست. برعکس، بسیاری از پژوهش‌های منتشرشده در غرب هشدار داده‌اند آسیب گسترده به زیرساخت‌های غیرنظامی، می‌تواند پیامدهای طولانی‌مدت برای زندگی مردم، اقتصاد و ثبات اجتماعی داشته باشد و از همین رو، رعایت قواعد حقوق بشردولتانه نه فقط یک‌الزام حقوقی، بلکه ضرورتی برای محدود کردن دامنه خسارت‌های انسانی است.

در نهایت، اگر بخواهیم از میان انبوه گزارش‌ها و مطالعات اندیشکده‌ای یک جمع‌بندی استخراج کنیم، شاید بتوان گفت جنگ کنونی رژیم تروریست آمریکا علیه ایران بیش از هر زمان دیگری، بر سر ظرفیت اداره ایران محلی. در این شرایط علاوه بر تسلط بر میدان نبرد در جبهه ایرانی، باید به این موضوع توجه ویژه داشت که پیروزی یا شکست تنها در میدان نبرد رقم نمی‌خورد، بلکه در توان حفظ برق، آب، حمل‌ونقل، درمان، ارتباطات و اعتماد عمومی نیز بازتاب پیدا می‌کند. به همین دلیل، مفهوم امنیت ملی در این جنگ بیش از گذشته با تاب‌آوری گره خورده است.

شاید بزرگ‌ترین درس جنگ کنونی آمریکا علیه شورمان همین باشد؛ اینکه در عصر شبکه‌های به‌هم‌پیوسته، امنیت دیگر در کنار قدرت سخت، محصول افزایش میزان تاب‌آوری ساختاری، اداری، زیرساختی و مواصلاتی است. اگر ایران بتواند زیرساخت‌های خود را مقاوم‌تر کند، مسیرهای جایگزین بیافریند، ظرفیت بازسازی را افزایش دهد و خدمات عمومی را در این شرایط تداوم بخشد، سرمایه‌ای در اختیار دارد که در بسیاری موارد، به اندازه هر ابزار دیگر در حفظ ثبات و کاهش آثار بحران تعیین‌کننده است. این همان تغییری است که ادبیات راهبردی غرب از آن با عنوان «گذار از جنگ فرسایشی به رقابت بر سر تاب‌آوری» یاد می‌کند؛ گذاری که نشان می‌دهد در جهان امروز، حفاظت زندگی روزمره مردم، خود بخشی از معادله امنیت ملی است. به هر حال طرف آمریکایی باید به این جمع‌بندی میدانی برسد که حمله به زیرساخت‌ها نمی‌تواند او را به اهدافش از حمله شکست تاب‌آوری ملی ایرانپان سوق دهد.

یکشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۵
وطن‌امروز | شماره ۴۶۶۴

جهان

اخبار

درخواست استیضاح ترامپ توسط سناتور آمریکایی

پس از آنکه ترامپ در یک سخنرانی ادعا کرد نیروهایی که باعث تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ شدند، هنوز در حال فعالیت هستند و سلامت انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ را تهدید می‌کنند، یکی از سناتورهای دموکرات آمریکا از کنگره خواست ترامپ را استیضاح کند.

این درخواست استیضاح از سوی سناتور «ادمارکی» دموکرات پس از آن مطرح شد که رئیس‌جمهور آمریکا از واژه‌های «به سرقت رفته و تقلب»، «فساد» و «لاپوشانی» در سخنرانی اخیر خود استفاده کرد و به یکسری اسناد محرمانه برای توجیه ادعاهای خود متوسل شد اما نتوانست این ادعاها را اثبات کند. سناتور مارکی در پیامی در ایکس نوشت: «ترامپ باید بابت تضعیف و منحرف کردن انتخابات آزاد و عادلانه ایالات متحده استیضاح شود.

وقتی او ماموران اداره مهاجرت و گمرکات را به صندوق‌های رای می‌فرستد، ما باید بابت این اقدام غیرمذنی دست به اقدامی مذنی بزنیم و به خیابان‌ها بیاییم. تحمن کنیم. دست به اعتراض بزنیم و کار را متوقف کنیم. همه این گزینه‌ها روی میز است».

■ ■ ■

انصارالله:

تسلیم عربستان نمی‌شویم

عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله یمن با اشاره به حضور میلیونی یمنی‌ها در راهپیمایی روز جمعه پس از فراخوان رهبر این جنبش که مرحله جدیدی از ارتباط میان مردم و رهبران یمن است، تأکید کرد، یمنی‌ها در برابر طاغوت‌های زمانه و در رأس آنها آمریکا و نیز رژیم سعودی موضعی مخالف را در پیش گرفته‌اند و بیشتر آنها اسلحه در دست داشتند تا به این شکل آمادگی خود را برای ورود به هر گونه درگیری و جنگی که رهبر انصارالله برای آنها مشخص کند، نشان دهند و اعلام کنند تسلیم نمی‌شوند

حزام الاسد در گفت‌وگو با شبکه خبری المسیره یمن با اشاره به مظلومیت ملت یمن در سایه تحولات اخیر در غزه، لبنان و ایران و تلاش‌هایی که در حمایت از غزه و مقبله با جنگ و محاصره داشته‌اند، گفت: اگر آمریکا به عربستان دستور ادامه تجاوز و محاصره را بدهد، یمنی‌ها دستور الهی برای مقاومت، مقابله و جهاد در راه خدا را دارند.

■ ■ ■

هشدار عراق به سوریه:

از پرونده لبنان دوری کنید

رسانه لبنانی فاش کرد دولت عراق در روزهای اخیر پیامی هشدارآمیز به رئیس دولت موقت سوریه ارسال کرده و از او خواسته است از هر گونه ورود به پرونده لبنان و همراهی با فشارهای آمریکا و عربستان علیه حزب‌الله خودداری کند.

روزنامه لبنانی «الأنبار» گزارش داد: این پیام در شرایطی به دمشق منتقل شده که فشارهای آمریکا و عربستان برای کشتاندن سوریه به تقابل با حزب‌الله افزایش یافته است.

طبق این گزارش، مقام‌های عراق به دمشق اطلاع داده‌اند هر گونه دخالت سوریه در عرصه لبنان، پیامدهای مستقیمی برای خودسوریه خواهد داشت، بغداد همچنین هشدار داده است اگر شیعیان لبنان یا حزب‌الله از خاک سوریه هدف قرار بگیرند، گروه‌های مقاومت عراق در برابر آن سکوت نخواهند کرد و هر اقدام سوریه در لبنان، با واکنشی متقابل از سوی مقاومت عراق علیه سوریه مواجه خواهد شد.

■ ■ ■

ممدانی به دنبال بازداشت

نتانیاهو

شهردار نیویورک اعلام کرد در حال بررسی احتمال دستگیری بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونی هنگام سفر وی به این شهر مهم ایالات متحده است.

زهران معدنی در مصاحبه با نیویورک تایمز گفت هنوز در حال مذاکره با مقامات است که آیا می‌تواند نتانیاهو را هنگام بازدید از مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر (شهریور) دستگیر کند یا خیر.

شهردار نیویورک در گفت‌وگو با این روزنامه آمریکایی عنوان کرد: هر کاری که قانون به من اجازه دهد در شهر نیویورک انجام دهم، انجام خواهم داد.

■ ■ ■

پژوهشگر ترک:

ترامپ از نتانیاهو متنفر است

«سرحان افاجان» کارشناس ترکیه‌ای روابط بین‌الملل در گفت‌وگویی تأکید کرد رئیس‌جمهور آمریکا از بنیامین نتانیاهو متنفر است و نمی‌خواهد او پس از انتخابات اکتبر آینده در پست خود باقی بماند و ترجیح می‌دهد راه را برای چهره‌های جایگزین او باز کند، ترامپ می‌خواهد اسرائیل را از رویارویی مستقیم با ایران دور نگه دارد تا این موضوع سوءتعبیر نشود و از انحراف اسرائیل از استراتژی آمریکا در منطقه جلوگیری شود.

■ ■ ■

ممنوعیت واردات کالا از سرزمین

اشغالی فلسطین به بلژیک

دولت فدرال بلژیک روز شنبه در آخرین جلسه خود پیش از آغاز تعطیلات تابستانی، ممنوعیت واردات کالا از مبدأ سرزمین اشغالی فلسطین را تصویب کرد.

این تصمیم بخشی از بسته اقداماتی است که دولت بروکسل پایان تابستان سال گذشته در واکنش به حمله نظامی رژیم صهیونی به نوار غزه و افزایش شمار قربانیان غیرنظامی، بر سر آن به توافق رسیده بود. با این حال خبرگزاری بلگا گزارش داد جزئیات نحوه اجرای این ممنوعیت هنوز نهایی نشده و دولت در حال تدوین سازوکار اجرایی آن است.



رضارحمتی

جنگ‌های قرن ۲۱ دیگر تنها

در خطوط مقدم جبهه تعریف نمی‌شوند. اگر روزگاری صرف یک ارتفاع یا شکست یک لشکر معیار پیروزی بود، امروز شبکه برق، پل‌ها، خطوط ریلی، بندار، مراکز ارتباطی و تأسیسات آب نیز به بخشی از معادله جنگ تبدیل شده‌اند. این تغییر صرفاً محصول پیشرفت فناوری نیست، بلکه حاصل دگرگونی در فهم قدرت ملی است. در ادبیات امنیتی و راهبردی غرب، قدرت یک کشور دیگر فقط با تعداد نیروها یا تجهیزات نظامی سنجیده نمی‌شود، بلکه ظرفیت آن برای حفظ عملکرد جامعه در شرایط بحران نیز بخشی از قدرت به شمار می‌رود.

■ **فهم موضوع تاب‌آوری ملی**

به همین دلیل است که در ۲ دهه گذشته، اندیشکده‌هایی مانند رند، سی‌اس‌ای‌اس(CSIS) و سی‌ان‌ای(CNA) و نیز پژوهش‌های منتشرشده در کالج‌های جنگی آمریکا، بارها از مفهومی سخن گفته‌اند که شاید در نگاه نخست چندان نظامی به نظر نرسد: «تاب‌آوری ملی». مقصود از تاب‌آوری، توان یک جامعه برای ادامه زندگی، حفظ خدمات عمومی و بازسازی سریع پس از بحران است. از همین زاویه، زیرساخت‌ها نه صرفاً پروژه‌های عمرانی، بلکه ستون‌های پایداری یک کشور تلقی می‌شوند.

■ **اثر دومینویی زیرساخت‌ها**

همین نگاه، فهم جنگ‌های معاصر را نیز تغییر داده است. در بسیاری از تحلیل‌های راهبردی غرب، شبکه‌های حمل‌ونقل، انرژی و ارتباطات به‌عنوان حلقه‌های اتصال اقتصاد، مدیریت، امدادرسانی و پشتیبانی معرفی می‌شوند. اگر این شبکه‌ها از کار بیفتند، تنها جابه‌جایی کالا مختل نمی‌شود؛ زنجیره‌ای از پیامدها شکل می‌گیرد که از تولید صنعتی و خدمات درمانی تا فعالیت‌های روزمره شهروندان را دربر می‌گیرد. به همین دلیل، پژوهشگران امنیتی از اصطلاح «در دومینویی» استفاده می‌کنند، یعنی آسیبی که از یک نقطه آغاز می‌شود اما به‌سرعت به بخش‌های دیگر سرایت می‌کند.